

"بخش دوم"  
ماتریالیسم تاریخی

نقش مذهب و موقوفات  
در اقتصاد فئودالی ایران  
امیر نیک آیین

فصل - ششم تئوری مارکسیستی لنینیستی فرماسیون های اجتماعی - اقتصادی

درس 61- فئودالیسم

فئودالیسم آن "صورت بندی اجتماعی- اقتصادی" است که یا در نتیجه تلاشی جامعه برده داری یا مستقیماً در نتیجه زوال و تلاشی کمون اولیه و یا با ویژگی های مشخص دیگر به وجود آمده و علیرغم تنوع راه های رسیدن بدان تقریباً در کلیه سرزمین های جهان، البته در هر جا با ویژگی های مشخص خود، وجود داشته است. در اروپای غربی این نظام از قرن پنجم تا قرون هفدهم و هجدهم و در روسیه و شرق اروپا از قرن نهم میلادی تا نیمه دوم قرن نوزدهم را در بر می گیرد.

(1)

1) پیدایش فرماسیون فئودالی به معنای کلاسیک اروپایی آن - در شکل کلاسیک خود، عوامل این نظام در بطن جامعه برده داری به صورت "کولون" بروز نمود. کولون ها عبارت بودند از بردگان آزاد شده یا زحمتکشان آزاد و غیر برده که قطعات کوچک زمین را با شرایط معین از مالک زمین (که برده داران بودند) می گرفتند و موظف بودند که این زمین را که مالکیت آن با مالک بزرگ بود، زراعت کنند و سهم بزرگی را از محصول به صورت جنس یا نقد به مالک تسلیم کنند و مقرری های دیگری را نیز به شکل مالیات و بیگاری تادیه نمایند. در اواخر فرماسیون برده داری، سازمان کار به این شکل عواید بیشتری را برای برده داران و خواجگان صاحب زمین تامین می کرد. زارعین جدید وابسته به زمین بودند، اگر صاحب ملک زمین را می فروخت، به همراه زمین زارعی که روی آن کار می کرد خرید و فروش می شد. (فقط در وابستگی با زمین) وی دیگر بنده و زر خرید به شمار نمی رفت و جداگانه مثل غلام و برده فروخته نمی شد.

این نوع جدید زحمتکشان که به زبان رومی کولون (colon) نامیده می شدند پیشینیان سرف ها یا رعایای قرون وسطائی هستند. با مرور زمان تفاوت میان بردگان آزاد شده و کولون ها و دهقانان آزاد از بین رفت و همه به توده وسیع و یکدست "رعیت" که در غرب "سرف" نامیده می شد بدل شدند. از این رو نظام فئودالیسم را "سرواژ" نیز گفته اند.

2) طبقات اساسی در صورتبندی اجتماعی- اقتصادی فئودالیسم عبارتند از: "دهقانان رعیت" (بهره دهان) و "مالکان فئودال" (بهره کشان). اما این ساخت طبقاتی به ظاهر ساده بعلت قشربندی درونی آن بسیار بغرنج بود. در درون طبقات و اقشار و گروه ها سلسله مراتب یا هیرارشی مفصلی وجود داشت. این قشربندی و سلسله مراتب در جوامع فئودالی اروپائی سخت دقیق و منظم بود و مثلاً در میان اشراف، یا در میان روحانیون، یا در میان اصناف و صاحبان حرف، قشربندی های منجمد و هرم دقیق و خدشه ناپذیری حاکم بود. زومره ها، طبقات، اقشار، گروه ها از جهت حقوق و مزایا تفاوت های بس عظیم داشتند. اشراف منشی،

به اصل و نسب بالیدن، لاف زنی به خون و خانواده و نجابت و اصالت! از مشخصات ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی نظام فئودالی بود.

تضاد و مبارزه شدید بین دو طبقه اصلی این فرماسیون، منجر به قیام های مهم دهقانان شده که سراسر تاریخ قرون وسطی را انباشته است. عامل انقلابی در این نظام همواره دهقانان و پیشه وران بوده اند. در دوران اخیر این فرماسیون، طبقه جدیدی، طبقه بورژوازی، نضج می گیرد که حامل مناسبات تولیدی تازه ای، مناسبات سرمایه داری است و تضادهای تازه و شدیدی بین فئودال ها و بورژوازی در حال رشد که در آن زمان مترقی بود، پدید می شود.

**3) وضع نیروهای مولده در این فرماسیون - "صورت بندی اجتماعی - اقتصادی فئودالیسم"**  
یک مرحله ضرور تکامل جامعه انسانی است و پیدایش آن به نوبه خود رشد تولید و نیروهای مولده کمک کرد. رشته اساسی تولید در این صورت بندی کشاورزی است. کار توده های دهقانی وابسته به زمین که هر یک قطعه زمینی را کشت می کرد و دارای ابزار تولید متعلق به خود بود و تا حدی خویش را در پیشرفت کشاورزی ذی نفع می شمرد، توانست موانعی را که در آن عصر در راه رشد نیروهای مولده وجود داشت بر طرف سازد. در آغاز این فرماسیون، ادوات زراعی؛ خیش چوبی و آهنی و داس و بیل بود و سپس گاو آهن چرخ دار و ادوات زراعی دندان دار و بعد تدریجا آسیای بادی و آبی و غیره به وجود آمدند. سطح تولید ترقی کرد، محصولات متنوع تر شد، دامپروری رشد یافت، پیشه وری به تدریج کاملاً از کشاورزی جدا شد، حرفه های جدید پیدا شد، در پیشه وری تخصص و در نتیجه بازده کار رشد کرد. آهنگری، کشتیرانی و منجمله با کشتی بادبانی، و استفاده از نیروی آب و چرخ و باد (علاوه بر استفاده از نیروی عضلانی خود انسان) تاثیر مهمی در پیشرفت امور صنعتی کرد. کاغذ، باروت، چاپ و بسیاری از اختراعات دیگر که نقش مهمی در تکامل تاریخ ایفاء کردند در این مرحله پدید شدند. در دوران اخیر این فرماسیون کشفیات بزرگ جغرافیائی قرن های پانزده و شانزده و ایجاد بازار جهانی و بسط تجارت و دریانوردی و آغاز مستعمره کردن سرزمین های دیگر و هم چنین مصرف فزاینده و تقاضای روز افزون کالاهای مختلف - که داستان معروف به صحبت نشستن سعدی با بازرگانی در جزیره کیش بیان موجز ادبی آن است - آن پدیده های مهم این دوران است. پیدایش دوک ریسندگی و بافندگی و رشد سریع نساجی و پیدایش سریع شهرها و بازارها و قوافل بازرگانی و استفاده از کود و دام برای کشاورزی و غیره و غیره نشان می دهد که نیروهای مولده در طی فرماسیون فئودالیسم چگونه رشد یافتند و برداشتن بندهای مناسبات تولیدی زمان برده داری چگونه منجر به رشد نیروهای مولده شد. با وجود تمام این ها تکنیک در وضع یک نواخت و در سطح نازل قرار داشت و از پیدایش مانوفاکتورها به بعد روز بروز بیشتر ظاهر می شد که مناسبات فئودالی تولید، پس از چند قرن تکامل، دیگر امکانات خود را به پایان رسانیده و تکامل آینده تولید، در چارچوب تنگ فئودالی ممکن نیست.

**4) مناسبات تولیدی "در فرماسیون اجتماعی - اقتصادی فئودالی" - مناسبات تولیدی جامعه فئودالی بر مالکیت ارباب بر زمین و بر وابستگی شخصی دهقانان به ارباب فئودال یعنی بر مالکیت محدود وی بر رعیت استوار بود.** "رعیت و سرف دیگر بنده و برده نبود، اختیار جان او در دست مالک نبود و مستقلاً و جداگانه فروخته نمی شد اگر چه همراه زمینی که به فروش می رسید، به مالک جدید منتقل می شد. دهقان مجاز نبود زمین اربابی را ترک کند و مختار به خدمت نزد ارباب دیگر نبود. بنابر این یک وابستگی شخصی به مالک وجود داشت. وابستگی دهقان به فئودال نوعی از اجبار غیراقتصادی است. دهقان در این نظام دارای سهمی از محصول بود که به خود او تعلق داشت. در این دوران هم مالکیت فئودالی و هم مالکیت انفرادی دهقانی و پیشه وری بر ادوات و ابزار تولید، توأماً وجود داشت. بخش

مهمی از دهقانان در نظام فئودالیسم دارای افزار کار بودند و از عوامل مختلف تولید کشاورزی یک، دو یا چند عامل را صاحب بودند. دهقان، اقتصاد کوچکی را اداره می کرد ولی چون خود مالک زمین نبود می بایست بر روی نسق، از زمینی که متعلق به ارباب فئودال بود، کار کند و به این ترتیب مالک می توانست به عنوان بهره مالکانه ثمره کار دهقان را به سود خود ضبط کند. بهره مالکانه یا بهره اربابی، محصول اضافی رعیت بود که تسلیم ارباب می شد. ما به طور کلی به سه نوع بهره مالکانه بر می خوریم که در مراحل مختلف نظام فئودالی کما بیش در جنب یکدیگر وجود داشتند. یکی کار بهره یا بیگاری، دوم بهره جنسی و سوم بهره نقدی. اما در هر یک از مراحل مختلف تکامل جامعه فئودالی، یکی از این اشکال یاد شده، تفوق یافته است.

در مرحله ابتدائی نظام فئودالی کار بهره که در عرف معمولی می توان آن را به بیگاری تعبیر نمود شکل مسلط بهره کشی از دهقانان بود. بدین معنا که دهقانان روزهای معینی از هفته را مستقیماً برای ارباب و روی زمین او کار می کردند و این یک کار اجباری و مجانی برای ارباب بود. به این ترتیب، به اصطلاح اقتصادی، زمان کار اضافی دهقان از نظر مدت و مکان کاملاً مشخص بود.

بهره جنسی عبارت بود از تسلیم منظم مقداری از محصول زراعی و دامی به ارباب. بهره نقدی معنای پرداخت بهره مالکانه به پول است. فائق شدن شکل بهره نقدی، خصوصیت دورانیست که فئودالیسم در حال تلاشی است و مناسبات سرمایه داری بیش از پیش در کار رسوخ و جا افتادن هستند. علاوه بر بهره مالکانه منظم، مالک یک سلسله مالیات ها و عوارض و سیورسات به دهقانان تحمیل می کرد. از نظر مناسبات تولیدی نیز واضح است که هر کشور و سرزمین دارای مشخصات فئودالی مخصوص به خود بود.

## (2)

در ممالک باستانی خاور زمین مدتها مناسبات فئودالی با بقایای دوران های پیشین درآمیخته بود و بردگی خانگی و بقایای مناسبات عشیره ای و پدرشاهی و ویژگی های تحول شرق باستان مهر خود را گذاشته بود. مالکیت دولتی بر زمین و مالکیت شاهانه قسمت مهمی از زمین ها را در برمی گرفت. آبیاری مصنوعی و قنوات و شبکه های آبیاری و لزوم حفاظت و نگهداری آنها و تعلق آنها به دولت و اشراف و نقش خاص دولت در این جوامع، ویژگی های متعددی را موجب می شد. بطور کلی جوامع شرق باستان راه ویژه ای را پیموده اند و رسیدن به طبقات اساسی "مالک بزرگ" و "رعیت" در آنها دارای مشخصات و خصوصیات است. در کشورهای شرقی اکثراً دهقانان وابستگی، به شکل کلاسیک به زمین نداشتند و بیشتر قروض آنان به مالک، دهقانان را از نظر اقتصادی- نه قانوناً بلکه عملاً و ماهیتاً وابسته می کرد. در ایران نیز اگر چه نظام ارباب- رعیتی که در میهن ما وجود داشته دارای سرشت مشابهی با فرماسیون فئودالی است ولی نمی توان عیناً این دو عبارت را مترادف بکاربرد. زیرا که نظام ارباب رعیتی چه از لحاظ منشاء و نحوه تکامل، یعنی از دید مقوله تاریخی، و چه از لحاظ طرز عمل و رسوم جاری یعنی از دید مقوله منطقی، دارای ویژگی هائی بوده که در فئودالیسم کلاسیک اروپائی دیده نمی شود. بعلاوه در نظام ارباب- رعیتی که می توان آن را شکل خاص فئودالیسم در ایران دانست، شکلی که خصوصیات و ویژگی های خود را دارد و باید مورد مطالعه قرار گیرد، خصوصیت عمده عبارت بود از مالکیت دوگانه مالکان فئودال بر زمین و بر آب و استثمار شدید توده دهقان بی زمین و کم زمین. در این نظام در کنار مالکیت اربابی، مالکیت دهقانی نیز وجود داشت. مالکیت دولتی (خالصه) و مالکیت نهادهای مذهبی (موقوفه) نقش بسزائی دارا بود. غارت رعیت از طریق بهره جنسی و بهره نقدی و بر اساس رسم مزارعه و عوامل چند گانه زراعی صورت می گرفت. رعایا

بشکل کلاسیک غربی وابسته به زمین نبودند ولی به علت مقروض بودن دائمی از نظر اقتصادی به مالک وابسته می شدند.

(3)

قانون اساسی اقتصاد عبارتست از تولید محصول اضافی برای تامین نیازمندی های ارباب فئودال با محتوی استثمار رعایای وابسته، بر مبنای مالکیت ارباب بر زمین و مالکیت محدود وی بر رعایا از طریق کار بهره یا بیگاری، بهره جنسی و بهره نقدی و انواع دیگر عوارض و مالیات ها و سیورسات. در این فرمول بندی قانون اساسی اقتصاد فئودالی، هم هدف بیان شده هم ماهیت بهره کش و شالوده آن روشن شده و هم شیوه های استثمار معرفی شده است. در آغاز این فرماسیون اقتصاد طبیعی تفوق کامل داشت. این مقوله در نظام فئودالی اهمیت ویژه ای دارد. اقتصاد طبیعی به معنای دایره بسته و محدود و تنگی از تولید است که هدف آن مصرف داخلی و خودی بود. یعنی تولید به ویژه برای مصرف انجام می شده نه برای مبادله. به عبارت دیگر مقصود از اقتصاد طبیعی آن است که هر ارباب در املاک خود از عواید و بهره ای که از استثمار دهقانان بدست می آورد زندگی می کرد و تقریباً کلیه نیازمندی های ضروری وی و خدمه اش در املاک خود او تولید و تهیه می شد و به ندرت مبادلات با خارج از این محیط بسته مورد احتیاج بود. اقتصاد دهقانی نیز بر همین پایه قرار داشت و خانواده دهقانی خود اغلب به امور پیشه وری می پرداخت و بخش عمده نیازمندی های خود را در داخل خود خانواده و شخصاً تامین می کرد. با گذشت قرن ها، به تدریج همراه توسعه شهرها، تولید پیشه وری و تقسیم کار و مبادلات بین شهر و ده بسط یافت و ناگزیر درهای اقتصاد طبیعی به خارج گشوده شد، دایره بسته شکسته شد و بازار گسترش یافت. پدیده جمعه بازار و شنبه بازار و نظایر آنها مربوط به دورانی است که احتیاجات و مصرف متنوع تر شده و نیازهای هر واحد نمی تواند تنها از درون برآورده شود و برای ارضای آنها، احتیاج به مبادله پیدا شد. منتهی هنوز بازارهای دائمی و مراکز شهری که بتواند این نیازها را مرتفع سازد یا بوجود نیامده یا در حال رشد بوده یا بعلت بعد مسافت دور از دسترس بوده اند و ناگزیر امر مبادله و خروج از اقتصاد طبیعی و بسته در روزهای معین هفته، در نقطه معین (ثابت یا متحرک) انجام می گرفته است.